



براهین اثبات خدا در فلسفه اسلامی

با تأکید بر حکمت متعالیه و آموزه‌های قرآنی



نظام مسائل کتاب

مسئله اصلی

- فیلسوفان مسلمان از حیث نحوه ورود به مباحث خداشناسی در دو دسته قرار می گیرند. برخی از آن ها مباحث اعتقادی را همچون مسأله ای فلسفی مورد مطالعه قرار می دهند و در این هنگام به هیچ یک از دلایل قرآنی که به آن موضوع مرتبط هستند و به نحوی می توانند مؤید بحث آن ها باشند توجه ندارند. در مقابل این گروه، برخی دیگر از فیلسوفان اسلامی پس از بیان مطلبی از طریق عقلی و فلسفی، گاه به آیه ای مناسب از قرآن کریم اشاره می کنند و آن را به عنوان گواه و تأییدی بر دیدگاه خود شرح می دهند. این رویکرد در میان فیلسوفان وابسته به حکمت متعالیه بیش از همه به چشم می خورد. این نوع بحث در باره اعتقادات که پیش از این تنها مورد توجه برخی از فیلسوفان اسلامی قرار داشت امروزه از سوی کسانی که مایلند در حوزه اعتقادات اسلامی مطالعات عمیق تری داشته باشند به مثابه یک الگوی پژوهشی پذیرفته شده است.
- این اثر چنانچه از عنوان آن پیداست به منظور تبیین اندیشه های فیلسوفان مسلمان در مسائل الهیاتی و نشان دادن تأثیر آموزه های قرآنی بر آن ها به ویژه حکیمان متأله و مقایسه بیانات فلسفی با آموزه های قرآنی، از میان موضوعات پیرامون خداشناسی، بحث اساسی و گسترده اثبات وجود خدا را انتخاب کرده است.



این نوشتار قصد دارد ضمن طرح اندیشه‌های فلسفی در بحث اثبات وجود خدا، آن گروه از آیات قرآنی را که فیلسوفان اسلامی، به ویژه پیروان حکمت صدرایی، مورد توجه قرار داده‌اند شناسایی کند و گاهی در حد امکان، پیرامون فهم و تفسیری که آنها معمولاً از این آیات ارائه کرده‌اند به داوری بنشیند.

فیلسوفان مسلمان با تأکید بر برخی از براهین و دلایل معتبر در اثبات وجود خدا، به برخی دیگر کمتر عنایت داشته‌اند. در این اثر تلاش می‌شود این استدلال‌ها نیز مورد توجه و بررسی قرار گیرند.

تأکید این پژوهش بر حکمت متعالیه بیش از همه به جهت تلائم و هماهنگی زیاد بین مباحث فلسفی و آموزه‌های قرآنی در این نظام فلسفی است. البته بی‌شک حکمت متعالیه برآمده از میراث فلسفه اسلامی است و خود صدرا از آثار فیلسوفان پیش از خود بهره می‌گیرد، گاهی پس از گزارش مباحث آنان را می‌پذیرد و گاهی دیگر انتقادات خود را طرح می‌کند. این ویژگی در مواردی پرداختن به نظرات فیلسوفان پیشاصدرایی را ایجاب می‌کند.

بخش های اصلی

(۱) الهیات متعالیه: واکاوی نظام مباحث الهیاتی در حکمت متعالیه

(۲) شناخت فطری و نظری نسبت به خدا

(۳) راه های اثبات خدا در آثار الهیاتی فیلسوفان متعالیه

(۴) اثبات وجود خدا از طریق آیات آفاقی: براهین تجربی – عقلی

(۵) اثبات وجود خدا از طریق آیات آفاقی: براهین عقلی – فلسفی

(۶) اثبات وجود خدا از طریق آیات انفسی

(۷) اثبات وجود خدا از طریق حقیقت وجود: برهان صدیقین

الهیات متعالیه

واکاوی نظام مباحث الهیاتی در حکمت متعالیه

➤ فصل (۱) حرکت صدر المتألهین در بنیان الهیات متعالیه

۱. دیدگاه‌های انتقادی صدر المتألهین

پیروان حکمت بحثی، اهل کشف و صوفیه، متکلمان، عالم‌نمایان ظاهریین و حکمت‌ستیز، عوام و اهل تقلید

۲. اصول و مبانی الهیات صدرایی

و جوب نظر در معرفت، لزوم طهارت قلب برای دریافت معارف و علوم حقیقی، همراهی ذوق عرفانی، برهان و تعالیم و حیانی

۳. ویژگی‌های الهیات متعالیه

برهانی و حکمی، کشفی و الهامی، قرآنی و روایی

فصل ۲) روش شناسی حکمت متعالیه در استنباط مباحث اعتقادی از قرآن کریم

۱. آموزه‌های اسلامی بزرگ‌ترین منبع الهام بخش معارف الهی برای فیلسوفان مسلمان بوده است.

۲. ملاصدرا مباحث الهیاتی را در منظومه‌ای با محوریت آموزه‌های قرآنی، هوشمندانه و به نحوی روش‌مند طراحی کرده است.

آیا روش ملاصدرا را باید نوعی تفسیر فلسفی دانست؟

مراد از تفسیر فلسفی:

۱) شرح و تفسیر فلسفی آیات از طریق تطبیق آموزه‌های فلسفی بر قرآن، به منظور اثبات هماهنگی میان فلسفه و متون دینی. در این جایگاه مفسر می‌کوشد به هر ترتیب، ولو با تحمیل آموزه‌های فلسفی بر قرآن و تأویل آیات قرآنی و عدول از معانی ظاهری آیات این هماهنگی را نشان دهد.

۲) شرح نصوص دینی مطابق آراء و دیدگاه‌های فلسفی

۳) ژرف‌اندیشی و دقت زیاد فلسفی در استخراج معانی آیات و ادراک مقاصد اساسی قرآن، مطابق با اصول و قواعد تفسیر

با توجه به معانی سه‌گانه تفسیر فلسفی، روش ملاصدرا در تفسیر آیات قرآنی را باید از کدام قسم به شمار آورد؟ آیا او در تفسیر آیات اعتقادی، صرفاً با ژرف‌اندیشی و دقت زیاد، به فهم معانی آیات قرآنی اقدام کرده است؟ یا احیاناً گاه در اثبات انطباق دیدگاه‌های خود با برخی آیات قرآنی، از حد گذرانده و برخی از اصول فلسفی را بر قرآن تحمیل کرده است؟

۳. دیدگاه علامه طباطبایی در مقدمه تفسیر المیزان

از دوران صحابه تا عصر حاضر چند رویکرد تفسیری وجود داشته است: **حدیث‌شناسان** در فهم قرآن با تعطیل اندیشه خود به آنچه از صحابه و تابعین رسیده بود اکتفا کردند. **متکلمان** هر یک با مبانی و اعتقادات خود به نحوی قرآن را معنا کردند که آراء خودشان تأیید شود و آیاتی که با دیدگاه‌های آن‌ها هماهنگ نبود تأویل کردند. **فیلسوفان مشاء** همه آیاتی که با مسلمات (و حتی فرضیات) فلسفی سازگاری نداشتند مورد تأویل قرار دادند. **باطن‌گرایان** هم با کنار نهادن ظاهر برای همه آیات معنایی باطنی قائل شدند.

ایراد مشترک همه این گروه‌ها در فهم قرآن: آنچه از نظرات علمی و فلسفی از پیش داشته‌اند بر قرآن کریم تحمیل نموده‌اند، بدون اینکه ظاهر آیات به این مطالب دلالتی داشته باشد.

۴. آیت الله جوادی آملی

اگر عقل برهانی که مبنای عقاید دینی است مطلبی را اثبات یا نفی کند، حتماً در تفسیر قرآن باید آن مطلب ثابت شده مصون بماند و با ظاهر هیچ آیه‌ای نفی نشود و مطلب نفی شده هم باید منتفی باشد و با ظاهر هیچ آیه‌ای اثبات نشود. اگر آیه‌ای دارای چند احتمال باشد و غیر از یک محتمل معین، همه آنها عقلاً منتفی باشد باید به کمک عقل برهانی آن آیه فقط بر همان محتمل عقل پسند حمل شود.

تحلیل نهایی

- فهم و تفسیر هیچ متنی، خواه مقدس باشد یا متنی عادی، بدون پیش فهم و پیش فرض امکان پذیر نیست. کاملاً طبیعی است که مفسر با یک سری مفاهیم و با برخی پرسش‌های ذهنی خود فرآیند تفسیر را آغاز کند. البته میان متن مقدس و عادی از جهتی فرق است. مفسر در مورد متن مقدس مانند قرآن، باید از اصرار و اتکاء نابجا بر پیش دانسته‌های خود پرهیز نماید.
- الف) تفسیر یک متن مقدس چون قرآن (یا متون دیگر) بدون پیش فهم و پیش فرض یا اصول موضوعه (به عنوان سرمایه مفسر) ممکن نیست. اگر مفسر بدون پیش فهم به سراغ متن قرآن برود از آن متن بهره‌ای نمی‌برد.
- ب) مفسر ابتدا پرسش‌های خود از متن را مطرح می‌کند. این پرسش‌ها با سطح پیش فهم‌های مفسر تناسب کامل دارد.
- ج) پس از طرح پرسش، مفسر باید سکوت کند و به پاسخ متن گوش فرا دهد. اگر در این هنگام مفسر اجازه نطق به متن ندهد و خود سخن بگوید یا آنکه در میان سخنان متن سخنی بگوید فقط مطالب پیش دانسته خود را از متن می‌شنود.
- اگر مفسر به همه تکلیف خود در تفسیر به درستی عمل کند وجود پیش فرض‌ها و پیش دانسته‌ها مانعی برای فهم نخواهد بود. چه بسا مفسر با مراجعه به متن در باره برخی از باورهای پیشین خود تردید کند و حتی آن‌ها را کنار گذارد.

از میزان تأکید ملاصدرا بر ذکر استنادات قرآنی برای نظریات فلسفی خود چون حرکت جوهری، اصالت وجود، عالم عقول و ... پیداست که وی این دیدگاه‌ها را نه به عنوان فرضیه بلکه به مثابه دانسته‌هایی که توسط عقل برهانی فهم شده است تلقی می‌کند.

به عنوان نمونه وی در بحث حرکت جوهری، با اشاره به برخی آیات قرآنی اظهار می‌کند خداوند سبحان نخستین حکیمی است که در کتاب خود از تبدل طبیعت و تجدد طبیعت جسمانی سخن گفته است. ملاصدرا در مقام فهم تشابهات قرآنی، ضمن تلاشی نسبتاً موفق برای استنباط روح معنا و عبور از معنای ظاهری به معنای باطنی، معمولاً تأویلات خود را که گاه فلسفی و بیشتر عرفانی است مطرح می‌کند.

به نظر می‌رسد برای اعلام نظر قطعی در این باره لازم است آثار ملاصدرا از حیث نحوه حضور اندیشه‌های فلسفی و عرفانی مورد بررسی‌های دقیق‌تری قرار گیرند.

شناخت فطری و نظری نسبت به خدا

فصل ۱) گرایش و شناخت فطری نسبت به خدا

۱) فطرت انسانی و شرایط شکوفایی آن
فطرت به مثابه آفرینش خدادادی و مشترک
ابعاد فطرت
شرایط شکوفایی فطرت

۲) گرایش فطری نسبت به خدا

تمایل فطری به دین الهی
اخذ پیمان از انسان برای پرستش خدا
توجه به خدا هنگام مواجهه با خطرات

۳) شناخت فطری نسبت به خدا

معرفت شهودی نسبت به خدا
پذیرش وجود خدا با عقل فطری



فصل ۲) شناخت نظری و استدلالی نسبت به خدا

۱. لزوم تحصیل و تحقیق در کسب معارف اعتقادی

تکلیف عمومی تحقیق در اصول اعتقادات (در سطوح مختلف)

برتری و شرافت معارف ربوبی بر سایر علوم دینی و غیردینی

وجوب نظر و استدلال در مورد معارف الهیاتی

۲. شناخت خدا از طریق عقل و استدلال

اثبات وجود خدا در الهیات متعالیه

فصل (۱) راه‌های اثبات خدا در آثار الهیاتی فیلسوفان متعالیه

۱. چگونگی اثبات وجود خدا از راه آثار

شناخت آیه‌ای از دیدگاه فیلسوفان

ماهیت و منطق شناخت آیه‌ای

عمومیت شناخت آیه‌ای

۲. چگونگی اثبات وجود خدا از راه غیر آثار



فصل ۲) اثبات وجود خدا در قرآن

۱. گفتمان‌های دلیل محور قرآن با کافران و مشرکان

۲. اهتمام قرآن به مسأله اثبات خدا

۳. گستره شناخت آیه‌ای در قرآن

توجه بیشتر قرآن به شناخت خدا از طریق آیات

شرایط بهره‌مندی از آیات الهی

روی گردانی برخی انسان‌ها از آیات الهی

آیات آفاقی و انفسی در قرآن

اهمیت و ارزش آیات ملکوتی

اثبات وجود خدا از طریق آیات آفاقی براهین تجربی - عقلی

➡ فصل ۱) برهان حرکت

۱. برهان حرکت در حکمت متعالیه

صورت منطقی برهان حرکت

صورت برهان حرکت در مورد اجسام طبیعی

برهان حرکت در مورد اجسام فلکی

تکمیل و ارتقاء برهان حرکت با نظریه حرکت جوهری

۲. استنادات قرآنی فیلسوفان در برهان حرکت

فصل ۲) برهان نظم

۱. برهان نظم در آثار متکلمان مسیحی و مسلمان

۲. برهان نظم در آثار فیلسوفان مسلمان

روایت های مختلف فیلسوفان از برهان نظم

ملاصدرا و اثبات صانع از طریق شگفتی های آفرینش

طباطبایی و طراحی ایده برهان نظم و تدبیر

تلاش مرتضی مطهری در صورت بندی برهان نظم

محمد باقر صدر و طرح دلایل علمی

دلیل علمی استقرائی مبتنی بر حساب احتمالات

دلیل فلسفی مبتنی بر فرآیند تحول و تکامل در عالم ماده

۳. ارزیابی برهان نظم

رسالت و محدودیت های برهان نظم

محدوده مخاطبان برهان نظم

موقعیت این برهان در میان دلایل اثبات خدا

فصل ۳) برهان حدوث

۱. صورت منطقی برهان حدوث

تقریر متکلمان

برهان حدوث به روایت فیلسوفان

علامه طباطبائی در اصول فلسفه و روش رئالیسم

بازسازی و ارتقاء سطح برهان حدوث (علامه طباطبائی)

۲. رسالت و محدودیت‌های برهان حدوث

۳. برهان حدوث در آیات قرآنی

فخر رازی برای استدلال از راه حدوث اجسام و جواهر به روش ابراهیم خلیل (ع) در آیه **قَالَ لَا أَحِبُّ الْآفِلِينَ (انعام: ۷۶)** استناد می‌کند.

فصل ۴) برهان هدایت

۱. تأکید قرآن بر دو مرحله خلق و هدایت

برهان هدایت غیر از برهان نظم (خلق) است.

۲. تقریر برهان هدایت

مبدع این برهان: فخر رازی

برای اثبات صانع می‌توان استدلال از طریق احوال جسمانی استدلال کرد (دلیل خلق) و هم از راه احوال روح (دلیل هدایت)

برهان هدایت در آثار استاد مطهری

این دلیل به جای تأکید بر تشکیلات و نظم مادی موجودات که از علت فاعلی آنها سرچشمه گرفته است (و در برهان نظم مبنا قرار می‌گیرد) به فعالیت‌های هدفمند و انتخابی برخی موجودات توجه دارد.

اثبات وجود خدا از طریق آیات آفاقی براهین عقلی - فلسفی

فصل ۱) برهان علیت

۱. برهان علیت در الهیات و کلام مسیحی

دومین راهی که توماس برای اثبات خدا مطرح می‌کند برهان علی است: استنتاج وجود علت اولی از وجود روابط علی و معلولی

۱. سلسله مراتبی از علل فاعلی وجود دارند که در آن هر علت زیرین به علتی مافوق خود متکی است.

۲. تسلسل علل (بی‌نهایت بودن سلسله علل فاعلی) محال است.

بنابراین باید یک علت فاعلی اولیه‌ای وجود داشته باشد که به علتی ورای خودش استناد نداشته باشد.

۲. برهان علیت در آثار الهیاتی مسلمانان

نکته: اصل علیت با بحث مناط نیاز شیء به علت مرتبط است.

برهان علیت با تقریری که برخی از آثار فلسفی و کلامی از آن دارند به جهت عدم ملاحظه این مطلب، اساساً ناتمام است و

در صورتی که کسی بخواهد به این نکته بپردازد عملاً به یکی از براهین دیگر (مانند حرکت، حدوث، امکان یا امکان فقری)

خواهد رسید. از این رو، برهان علی، برهانی مستقل از سایر براهین فلسفی و کلامی به شمار نمی‌آید.

فصل ۲) برهان وجوب و امکان

۱. تقریر برهان وجوب و امکان

روایت های فیلسوفان از برهان وجوب و امکان

تقریر برهان بدون نیاز به ابطال دور و تسلسل: حرکتی برای کوتاه کردن و ارتقاء سطح آن

روایت برهان وجوب و امکان با نظریه امکان فقری

برهان وجوب و امکان به روایت متکلمان

۲. استنادات قرآنی فیلسوفان در برهان وجوب و امکان

برهان وجوب و امکان با تقریر فلسفی و پیچیده آن در قرآن کریم مطرح نشده است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (فاطر: ۱۵)

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ. وَبَاقِي وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (رحمان: ۲۶ - ۲۷)

وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ (محمد: ۳۸)

فصل ۳) برهان ماهیات

۱. ملاصدرا در شواهد:

طريق الماهيات إذ كل ما له ماهية غير الوجود فالوجود لها من العوارض الاستفادة من الغير لاستحالة كون الوجود من اللوازم للماهية و إلا لكان وجودها متقدما على وجودها و لكانت موجودة سواء فرضت موجودة أو معدومة كما هو شأن اتصاف الماهيات بلوازمها.

تقرير برهان:

۱. امکان، لازمه ماهیت است: هر وجود امکانی، ماهیتی دارد غیر از وجودش. (اصل فلسفی)
۲. هر چه دارای ماهیت است وجود برایش از عوارضی است که باید از غیر دریافت کرده باشد. (مدعا)
۳. ماهیت در موجود امکانی فی ذاته موجود است: وجود از لوازم آن ماهیت است. (فرض خلف)
۴. این ماهیت مقتضی وجود خودش است. (معنای ۳)
۵. علت مقدم بر معلول است؛ وجوداً. (اصل فلسفی)
۶. ماهیت باید پیش از موجود بودن، موجود باشد. (بنابر ۴ و ۵)
۷. ۶ محال است (لزوم تقدم شيء بر خود). محذور اول

۸. اگر وجود از لوازم ماهیت باشد (۳): ماهیت باید همیشه این لازم (وجود) را با خود داشته باشد؛ چه در حال وجود و چه در حال عدم

۹. اگر (۸)، آنگاه یا تحصیل حاصل لازم می آید یا اجتماع نقیضین؛ که هر دو محال است: محذور دوم

۱۰. با توجه به محذور اول (سطر ۷) و محذور دوم (سطر ۹) باید گفت سطر ۳ که فرض خلف است باطل است.

۱۱. پس نقیض ۳ یعنی (۲) درست است: ماهیت فی ذاته موجود نیست: وجودش را از غیر دریافت کرده است.

۱۲. آن غیر، وجودش امکانی نیست: واجب الوجود است: مطلوب

**گویی در این برهان ملاصدرا عمد و اصرار دارد از تقسیم وجود به واجب و ممکن یا از واژه
ممکن استفاده نکند.**

اثبات وجود خدا از طریق آیات انفسی

فصل (۱) برهان نفس

۱. تقریری پیچیده و فلسفی

- نفس انسانی، موجودی مجرد است که همراه بدن حادث می‌شود.
- هر حادثی ممکن است.
- هر ممکنی برای موجود شدن، محتاج علت و سببی است.
- نفس در وجودش به سببی نیازمند است.
- علت باید اقوی از معلول باشد.
- آن سبب باید فوق نفس باشد.
- آن سبب یا جسم است یا قوه‌ای جسمانی است یا فوق جسم جسمانی.
- سبب وجود نفس، نمی‌تواند جسم یا قوه‌ای جسمانی باشد.
- علت نفس یا واجب تعالی است یا وجهی از جوه او.

۲. تعیین سطح این برهان و مخاطبان خاص آن کاملاً بستگی دارد به نوع روایتی که از این برهان ارائه می‌شود. در قبال روایت‌های سنگین و فلسفی حکیم صدرالمতألهین، فیض کاشانی ابتدا برهان نفس را چنین ساده تقریر می‌کند: آیات انفسی چون گرسنگی و سیری، تشنگی و سیراب شدن، بیماری و سلامتی، غنا و فقر، خشنودی و خشم، احساس ترس و امنیت از بزرگ‌ترین دلایل **یکانگی** خداست. فیض این برهان را مناسب درک و فهم عوام می‌داند.

فصل ۲) برهان فطرت

۱. برهان فطرت گرایش‌هایی چون امید، محبت و عشق به کمال را که در متن وجود انسان قرار دارد مورد توجه و تحلیل قرار می‌دهد و با افزودن یک یا چند اصل عقلی به اثبات مبدأ می‌پردازد.

۲. بحث مهم: چگونگی دلالت گرایش فطری بر وجود خارجی متعلق آن
از طریق تلازم بین متضایفین (علامه طباطبائی)

نقد آیت الله سبحانی

دیدگاه استاد مطهری

اثبات وجود خدا از طریق حقیقت وجود برهان صدیقین

فصل ۱) برهان صدیقین در حکمت متعالیه

۱. بایستگی‌های برهان صدیقین در حکمت متعالیه

برهان صدیقین بر اساس آنچه مبدعان آن (به ویژه ملاصدرا) در نظر داشته‌اند می‌بایست:

۱. تنها به وجود یا حقیقت وجود نظر داشته باشد (نه هیچ یک از موجودات دیگر).
۲. تمامیت و اعتبار آن به ابطال دور و تسلسل نیازمند و مشروط نباشد.
۳. در مقدمات آن تنها از بدیهیات و احکام مختص وجود استفاده شود (نه از ماهیت و لوازم آن مانند امکان و اموری چون حرکت و حدوث).



۲. تقریرهای مختلف برهان صدیقین

حکیم صدر المتألهین

حکیم سبزواری

علامه طباطبائی

۳. ویژگی‌ها و امتیارات برهان صدیقین

۱. شناخت خدا با برهان صدیقین، شناختی حقیقی است.

۲. می‌تواند یگانگی و ازلیت ذات واجب را نیز به اثبات رساند.

۳. برترین برهان در استواری و شرافت است.

۴. با ویژگی‌های منحصر به فردی که دارد عملاً به برهانی ناب و ویژه گروهی خاص تبدیل شده است.

فصل ۲) نسبت برهان صدیقین با شناخت خدا با خدا

۱. برخی ادعیه:

- یا من دلّ علی ذاته بذاته (فرازی از دعای صباح)
- أ لغيرك من الظهور ما ليس لك حتى يكون هو المظهر لك، متى غبت حتى تحتاج الي دليل يدل عليك او متى بعدت حتى يكون الآثار هي التي توصل اليك (فرازی از دعای عرفه)
- بك عرفتک و أنت دللتني عليك و دعوتني اليك (فرازی از دعای اباحمره ثمالی)

۲. گرچه صدر المتألهين به عنوان مبتکر برهان صدیقین، گاهی این برهان را استدلال از خدا به خدا خوانده است ولی خود در چند موضع اعلام می کند که در این برهان از تأمل در حقیقت وجود به اثبات واجب الوجود رسیده است.

۳. به نظر می رسد فیلسوف ما حقیقت وجود را که با این برهان ثابت می کند خداست از همان ابتدا خدا نامیده است.

فصل ۳) استنادات قرآنی فیلسوفان در برهان صدیقین

○ سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَو لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (فصلت: 53)

○ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ (آل عمران: 18)

نتایج و یافته ها

- ارزش و اهمیت تلاش فیلسوفان در تبیین عقلانی و فلسفی اعتقادات دینی با نگاهی گذرا به مسائل متنوعی که در آثار الهیاتی حکیمان مورد بررسی قرار گرفته است و گره‌های فکری فراوانی که در این حوزه، به دست توانای فیلسوفان مسلمان گشوده شده است آشکار می‌شود.
- ملاصدرا بر اساس اعتقاد به وجوب نظر و اندیشه‌ورزی در معرفت، لزوم طهارت قلب در دریافت معارف و علوم حقیقی و همراهی ذوق عرفانی، برهان و تعالیم و حیانی نظام الهیاتی خود را که می‌توان آن را **الهیات متعالیه** نامید بنیان می‌نهد. الهیات صدرایی در عین استفاده از برهان و حکمت، از دریافت‌های شهودی و آموزه‌های قرآنی و روایات معصومین بهره می‌گیرد. در الهیات متعالیه برهان عقلی، ذوق عرفانی و تعالیم و حیانی هماهنگی دارند. با توجه به عنایت ملاصدرا به ایده‌ها و آثار پیشینیان خود باید گفت میراث ارزشمند الهیات متعالیه به نحوی تکمیل و برآیند تلاش‌های حکیمان مشاء و فیلسوف متکلمان و مفسران در حوزه مباحث اعتقادی است و از این جهت، صدرا را می‌بایست وامدار همه آن‌ها دانست.
- تأثیر اندیشه‌های عرفانی و فلسفی ملاصدرا بر فهم او از قرآن ابتدا می‌بایست به عنوان امری طبیعی و ناگزیر تلقی شود و سپس با همین اصول، قدم‌های او در مسیر فهم قرآن به دقت مورد بررسی قرار گیرد. صدرا با توجه به مبانی هستی‌شناختی خود که در نظام فلسفی او با نظریاتی چون اصالت وجود، وحدت تشکیکی وجود، حرکت جوهری و ... بیان شده است به سراغ فهم آیات قرآنی می‌رود. صدرا در حالی که غرق ایده‌های فلسفی و عرفانی خود است در تفسیر قرآن، گاه به مناسبت و گاهی به بهانه‌ای آیات قرآنی را به اندیشه‌های خود گره زده است. قطعاً همه این مبانی را نمی‌توان (نباید) به عنوان داده‌های عقل برهانی و مورد اجماع اهل نظر به شمار آورد و دست کم در باره برخی از آن‌ها تردیدهایی وجود دارد.

- **صدرالمতألهین در مقام استفاده از قرآن برای استنباط معارف دینی و حل اشکالات مربوط به مسائل اعتقادی تا حدود زیادی توفیق داشته است و میزان آمیختگی مباحث فلسفی و قرآنی در آثار او بهترین گواه بر این مدعاست. با وجود مباحث مشترک میان آثار فلسفی و قرآن کریم و تأثیر فراوان قرآن بر فیلسوفان مسلمان باید گفت روش قرآن برای پرداختن به مسأله خدا از جهاتی با روش فیلسوفان مسلمان متفاوت است. توجه به این تمایز برای شناخت نسبت میان مسائل اعتقادی میان قرآن و آثار فلسفی بسیار ضروری است.**
- **اثبات وجود خدا از طریق آیات آفاقی در دو گروه براهین تجربی – عقلی (شامل برهان‌های حرکت، نظم، حدوث و هدایت) و براهین فلسفی (شامل برهان‌های علیت، وجوب و امکان و ماهیات) است. هر یک از این براهین با وجود امتیازاتی خاص، محدودیت‌هایی دارند.**
- **اثبات وجود خدا از طریق آیات انفسی در برهان‌های نفس و فطرت صورت می‌پذیرد. فیلسوفان مسلمان در آثار خود به این دو برهان توجه کمتری داشته‌اند.**
- **برهان صدیقین، بر خلاف براهین و دلایل پیشین، خدا را از طریق حقیقت وجود به اثبات می‌رساند.**